

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال سوم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۱-۱۱۰

## نظام مطابقه در کلهری و مقایسه آن با لکی، سورانی و کرمانجی

مهدی مهدی‌زاده<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

حبیب گوهری<sup>۲</sup>

استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

غلامحسین کریمی‌دوستان<sup>۳</sup>

استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

طیبه خوشبخت<sup>۴</sup>

استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

### چکیده

مطابق، حالت‌نمایی و ترتیب واژه از ابزارهای مهم بازنمایی روابط دستوری‌اند که زبان‌ها با توجه به ویژگی‌هایشان از آن‌ها استفاده می‌کنند. هدف نوشتار پیش رو بررسی و تحلیل نظام مطابقه در گویش کلهری و مقایسه آن با گویش‌های لکی، سورانی و کرمانجی است. روش پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است و برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی همچون مشاهده و مصاحبه استفاده شده است. این مطالعه از لحاظ چارچوب، بررسی‌ای نقش‌گرایانه - رده‌شناختی است (کامری، ۱۹۸۹؛ براون ۲۰۱۰ و دبیرمقدم، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ابزارهای مطابقه در گویش‌های کلهری، لکی و سورانی وند فاعلی، واژه‌بست فاعلی و واژه‌بست مفعولی و در کرمانجی وند فاعلی است. میزبان وند فاعلی و واژه‌بست مفعولی فعل و میزبان واژه‌بست فاعلی گروه اسمی است. نکته قابل توجه در این پژوهش، وجود واژه‌بست فاعلی در فعل‌های ربطی و مرکب و نیز وابستگی حضور نشانه مطابقه مفعولی به حضور نشانه معرفه در پایان گروه اسمی مفعول در بند متعدی در کلهری است. سرانجام اینکه نوع نظام مطابقه در کلهری، لکی و سورانی با شباهت بیشتر دارای الگوی فاعلی - مفعولی، فاعلی و غیر فاعلی و کرمانجی با تفاوت بیشتر دارای الگوی فاعلی، فاعلی - مفعولی و بدون مطابقه است.

**کلیدواژه‌ها:** مطابقه، وند، واژه‌بست، گویش کلهری، زبان کردی.

mehdizade.mm.1354@gmail.com

h\_gowhary@yahoo.com

Gh5karimi@ut.ac.ir

Khoshbakht-ta@yahoo.com

۱- پست الکترونیک:

۲- پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیک:

۴- پست الکترونیک:

## ۱- مقدمه

مطابقه<sup>۶</sup> رابطه‌ای دوسویه بین فعل و فاعل یا فعل و مفعول است که مشخصات آن‌ها را از نظر شخص، شمار یا جنس دستوری نشان می‌دهد. مطابقه در کنار ترتیب واژه<sup>۷</sup> و حالت‌نمایی<sup>۸</sup> از ابزارهای مهم<sup>۹</sup> بازنمایی نقش‌های دستوری در زبان‌های دنیا محسوب می‌شود و هر زبان با توجه به ویژگی‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کند. مطابقه روی فعل نشان‌دهنده ارجاع متقابل<sup>۹</sup> بین فعل و آن گروه اسمی است که رابطه تطابق به آن اشاره دارد. اگر در جمله فعل را هسته و گروه‌های اسمی را وابسته بدانیم، زبان‌ها می‌توانند هسته یا وابسته‌ها را نشان‌دار کنند. زبان‌هایی که هسته را نشان‌دار می‌کنند، از نظام مطابقه و زبان‌هایی که وابسته‌ها را نشان‌دار می‌کنند، از نظام حالت، استفاده می‌کنند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۴).

دبیرمقدم (۱۳۹۲) با بررسی نظام مطابقه گونه‌هایی از گویش کردی جنوبی، مرکزی و شمالی به این نتیجه می‌رسد که کردی جنوبی بدون دخالت زمان-گذر برخوردار از نظام مطابقه یگانه فاعلی - مفعولی و فاقد نظام حالت‌نمایی است؛ کردی مرکزی با تأثیرپذیری از زمان - گذر دارای نظام مطابقه دوگانه فاعلی - مفعولی و غیر فاعلی - مفعولی با نظام حالت‌نمایی و کردی شمالی برخوردار از نظام دوگانه فاعلی - مفعولی در برابر کنایی - مطلق و فاقد نظام مطابقه واژه‌بستی<sup>۱۰</sup> است. راسخ‌مهند (۱۳۸۴) معتقد است که فارسی از مطابقه و حالت‌دهی برای نشان‌دادن نقش‌های دستوری استفاده می‌کند.

کریمی و مقدم (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده‌اند که زبان سهی در زمان حال، از الگوی فاعلی - مفعولی و در زمان گذشته، از الگوی کنایی - مطلق<sup>۱۱</sup> پیروی می‌کند. کریمی (۱۳۹۱) دو الگوی کنایی بیان می‌کند. در الگوی اول، فاعل متعدی دارای حالت‌نمای کنایی و فعل با مفعول در مطابقه کامل است. در الگوی دوم، فاعل متعدی با واژه‌بستی غیر فاعلی مضاعف‌سازی می‌شود و فعل با مفعول مطابقه ندارد و پیش‌فرض سوم شخص مفرد می‌پذیرد. تفکری رضایی و امیدی (۱۳۹۳) با بررسی سه رویکرد فاعلی، ارگتیو و ضمیری در وندهای فعلی در لکی معتقدند که این پسوندها نه نشانه ارگتیو و نه نشانه مطابقه فاعلی بلکه ضمیر هستند.

شریفی و زمردیان (۱۳۸۷) نتیجه می‌گیرند که در گویش کاخکی، در زمان حال و آینده فعل با فاعل

- 
6. agreement
  7. word order
  8. case marking
  9. cross-referencing
  10. clitic
  11. ergative-absolutive

مطابقه دارد؛ اما در زمان گذشته در صورتی که نهاد در جایگاه فاعلی باشد، شناسه در فعل ظاهر نمی‌شود. علیزاده و تقوی گلیان (۱۳۹۵) گویش کرمانجی را دارای ارگتیو گسسته می‌دانند. دانش‌پژوه و کریمی‌دوستان (۱۳۹۵) معتقدند که ساخت مجهول در دو گویش کرمانجی و سورانی، زمان‌مبنا نیست و این ساخت در زمان حال و گذشته از نظام فاعلی - مفعولی پیروی می‌کند. هیگ<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸) با بررسی موضوع مطابقه و حالت‌نمایی در زبان‌های ایرانی معتقد است که کردی کرمانجی در سطح نحو مانند زبان‌های فاعلی - مفعولی رفتار می‌کند؛ وی واژه‌بست‌هایی که در فعل متعدی به‌کار می‌روند را واژه‌بست عامل گذشته می‌نامد که نشان‌دهنده مطابقه‌اند و به‌اجبار به سازه دیگر ارجاع می‌دهند.

در رده‌شناسی دو موضوع پایه‌ای مطرح است: ترتیب واژه و مطابقه. مطابقه را مطابقه<sup>۱۳</sup>، هم‌نمایی<sup>۱۴</sup> و ارجاع متقابل نیز خوانده‌اند. مطابقه ارتباط فعل و فاعل از نظر شخص و شمار است. دستگاه مطابقه شبکه‌ای است که امکانات مختلف این رابطه را دربر می‌گیرد. در زبان‌هایی که فعل شناسه دارد، فعل از نظر شمار، شخص و گاهی جنس با نهاد مطابقه می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲). زبان‌های مختلف با سه شیوه توالی کلمات، مطابقه و حالت می‌توانند رابطه موضوع<sup>۱۵</sup>‌های اصلی درون جمله، یعنی فاعل و مفعول را با فعل جمله نشان دهند. اگر در جمله فعل را هسته و موضوع‌ها را وابسته بدانیم، زبان‌ها می‌توانند هسته یا وابسته‌ها را نشان‌دار کنند. آنجاکه زبانی هسته را نشان‌دار کند، نظام مطابقه و جایی که وابسته‌ها نشان‌دار شوند، نظام حالت به‌کار رفته است. وندهایی که در مطابقه به فعل اضافه می‌شوند، نشان‌دهنده ویژگی‌هایی مانند شخص، شمار و جنس دستوری فاعل یا مفعول یا هر دو هستند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۴).

بارزترین جلوه مطابقه، همان تطابق فاعل و مفعول است که به‌صورت پیوند مطابقه فاعلی یا همان شناسه در فعل بازنمایی می‌شود. در بیشتر زبان‌های ایرانی رایج در ایران، برای ارجاع به فاعل دستوری فعل‌های متعدی گذشته از سازوکار ضمیر واژه‌بستی استفاده می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲). ساخت کنایی از نمونه‌هایی است که در آن رفتار فاعل‌بند لازم مشابه با رفتار مفعول‌بند متعدی و متفاوت از رفتار فاعل‌بند متعدی است. در ساخت مفعولی فاعل‌بند متعدی و فاعل‌بند لازم به‌لحاظ انگیزش مطابقه رفتار مشابهی از خود نشان می‌دهند (دیکسون<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۴). مطابقه به ارجاع متقابل فعل به یکی از سه گروه

12. G. L. Haig

13. concord

14. indexation

15. argument

16. R. M. Dixon

اسمی فاعل لازم، فاعل متعددی و مفعول اشاره دارد؛ بنابراین فعل با انتخاب وند از نظر شخص، شمار و جنس دستوری می‌تواند با هر کدام از گروه‌های اسمی فاعل لازم، فاعل متعددی یا مفعول متعددی مطابقت کند و نشان‌دار شود (براون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰).

گویش کلهری و لکی زیرشاخه زبان کردی جنوبی، سورانی زیرشاخه کردی مرکزی و کرمانجی شاخه‌ای از کردی شمالی است که به ترتیب کلهری در مناطقی از استان ایلام، کرمانشاه و بخش‌هایی از عراق؛ لکی در استان‌های ایلام، کرمانشاه، لرستان و همدان؛ سورانی در استان‌های کردستان، بخش‌هایی از آذربایجان غربی، کرمانشاه و عراق و کرمانجی در ایران، ترکیه، ارمنستان، سوریه و عراق استفاده می‌شود. به منظور اطمینان از صحت و دقت در گردآوری داده‌ها، کلهری رایج در روستای زنجیره شهرستان چرداول از توابع استان ایلام، لکی رایج در بین گویشوران لک شهر سرابله مرکز شهرستان چرداول، سورانی رایج در کامیاران و کرمانجی رایج در اسفراین مبنای بررسی قرار گرفته است. طی دهه‌های گذشته که مطالعات رده‌شناختی زبان‌ها اهمیت و رونق ویژه‌ای یافته است، توجه و پرداختن به زبان‌های محلی و بومی ایرانی از جمله گونه‌های کردی از اهمیت خاصی برخوردار شده است. با توجه به اینکه پژوهش‌های رده‌شناختی چندانی بر روی زبان کردی و گویش‌های آن انجام نگرفته است، این پژوهش می‌کوشد نظام مطابقه را در گویش کلهری بررسی و آن را از نظر مشخصه مقوله‌های نظام مطابقه، با گویش‌های لکی، سورانی و کرمانجی مقایسه کند. پژوهش حاضر می‌تواند به شناسایی بیشتر زبان کردی کمک کند و زمینه را برای مطالعه بیشتر گویش‌های این زبان فراهم آورد. نوشتار پیش رو پس از بررسی و تحلیل نظام مطابقه از نظر نوع مطابقه، عامل مطابقه، ابزارهای بیان مطابقه، نقش، جایگاه و میزبان ابزارهای مطابقه در گویش کلهری، به مقایسه این گویش با گویش‌های لکی، سورانی و کرمانجی می‌پردازد.

پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی و مصاحبه از بیست نفر از افراد بالای چهل سال مرد و زن و نیز از شمّ زبانی نگارندگان استفاده شده است. برای حفظ یکدستی، عینیت، روایی و اعتبار داده‌ها، نمونه‌های منتخب در دو بست ساخت از گونه کلهری، لکی، سورانی و کرمانجی رایج در شهرهای پیش‌گفته به دست آمده‌اند و پس از اطمینان از درستی و دقت در گردآوری داده‌ها، به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. در ادامه با تجزیه و تحلیل داده‌های هریک از گویش‌های کلهری، لکی، سورانی و کرمانجی، نوع و عامل مطابقه،

ابزار بیان مطابقه، نقش، جایگاه و میزبان ابزار بیان مطابقه در هرکدام از آن‌ها بیان می‌شود.

## ۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای رسیدن به تصویری روشن از نظام مطابقه در گویش‌های کلهری، لکی، سورانی و کرمانجی باید به توزیع وندها و واژه‌بست‌ها در جمله توجه کرد؛ به این دلیل، در ادامه، به ترتیب با استناد به داده‌هایی از هر یک از گویش‌های کلهری، لکی، سورانی و کرمانجی نقش نظام مطابقه در تعیین روابط دستوری بررسی و تحلیل می‌شود.

### ۲-۱- گویش کلهری

در این بخش با استناد به داده‌ها، نظام مطابقه و مشخصه‌های آن در افعال متعددی، لازم، ربطی و مرکب گویش کلهری بررسی می‌شود.

#### ۲-۱-۱- افعال متعددی گذشته

1) mə se:f-aga xward-əm-ej.

۳ش م-اش م-خورد معرفه-سیب من  
من سیب را خوردمش.

2) mə se:f-aga xward-əm.

اش م-خورد معرفه-سیب من  
من سیب را خوردم.

3) \*mə se:f xward-əm-ej.

۳ش م-اش م-خورد سیب من  
من سیب خوردمش.

#### ۲-۱-۲- افعال متعددی حال

4) mə se:f-aga xw-am-ej.

۳ش م-اش م-خور معرفه-سیب من  
من سیب را می‌خورمش.

5) mə se:f-aga xw-am.

اش م-خور معرفه-سیب من  
من سیب را می‌خورم.

## 6) \*mə se:f xw-am-ɛj.

۳م-اشم خور سیب من

من سیب می خورم.

نوع فعل در جملات (۱) تا (۳) از نظر عامل زمان-گذر، گذشته و متعدی و در جمله‌های (۴) تا (۶) حال و متعدی است. در جمله‌های (۱) تا (۳) ستاک گذشته فعل «xward» به‌مثابه هسته میزبان پسوند<sup>۱۸</sup> فاعلی «-əm» و در جملات (۴) تا (۶) ستاک حال فعل «xw-» میزبان نشانه مطابقت فاعلی وند «-am» است. وند فاعلی در جایگاه شناسه اول شخص مفرد، از لحاظ شخص و شمار به فاعل ارجاع می‌یابد. همین‌طور فاعل گروه اسمی به‌مثابه ضمیر آزاد اول شخص مفرد «mə» نیز در صورت حضور یا عدم حضور در جمله با پسوندهای ضمیری/ شناسه فعلی از لحاظ شخص و شمار مطابقت می‌کند؛ بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود، ستاک گذشته فعل «xward» و ستاک حال فعل «xw-» نشان‌دار هستند و نشانه آن‌ها وند فاعلی است که به لحاظ میزبان‌گزینی دارای محدودیت‌گزینی‌اند؛ بدین معنی که تنها روی فعل ظاهر می‌شوند و از نظر نحوی نقش برقراری ارجاع متقابل بین فعل و فاعل را از لحاظ شخص و شمار ایفا می‌کنند. این وندهای تصریفی که بی‌درنگ پس از ستاک فعل و در جایگاه دوم سازه قرار می‌گیرند، مطابقت‌نما<sup>۱۹</sup> هستند. کریمی (۱۳۹۱) این‌گونه وندها را وند فاعلی می‌نامد؛ زیرا معتقد است که این وندها افزون بر نقش مطابقت‌نمایی در نقش موضوعی نیز ظاهر می‌شوند؛ به‌بیانی، این وندها به‌صورت ضمیر در نقش موضوع‌های فعل نیز نقش ایفا می‌کنند. موضوع‌هایی که این وندها جانشین آن‌ها می‌شوند، دارای نقش فاعلی هستند؛ به‌همین دلیل آن‌ها را وند فاعلی می‌نامند.

در ادامه می‌خواهیم ببینیم که آیا از نشانه مطابقت مفعولی برای بازنمایی نقش مفعول استفاده می‌شود یا خیر. نشانه مطابقت که در این نمونه‌ها به مفعول ارجاع می‌یابد، واژه‌بست<sup>۲۰</sup> ضمیری پی‌بستی «-ɛj» است که پس از نشانه مطابقت فاعلی و در پایان ستاک گذشته/ حال فعل می‌آید و از نظر شخص و شمار با مفعول در انطباق است. کریمی (۱۳۹۱) این واژه‌بست‌ها را غیر فاعلی می‌خواند؛ زیرا در نقش موضوعی این واژه‌بست‌ها در توزیع تکمیلی با موضوع‌هایی هستند که غالباً دارای نقش‌های غیر فاعلی‌اند. ضمائر

۱۸- وندها همواره به‌صورت پسوند به‌مثابه نشانه مطابقت فاعلی به ریشه فعل اضافه می‌شوند و از لحاظ شخص و شمار با فاعل جمله انطباق دارند.

۱۹- منظور از مطابقت‌نما نشان‌داری فعل به‌مثابه هسته جمله است.

۲۰- واژه‌بست‌ها به‌صورت پی‌بست به‌مثابه نشانه مطابقت مفعولی پس از وند به ریشه فعل و به‌منزله نشانه مطابقت فاعلی به آخر مفعول می‌چسبند.

واژه‌بستی در کلهری رفتاری غیر‌گزینشی دارند و طیفی از مقوله‌های واژگانی را به‌مثابه میزبان می‌پذیرند. وجود واژه‌بست ضمیری پی‌بستی «-əz» در این مثال‌ها به‌خوبی گویای این است که در کردی جنوبی نشانه‌ای که از لحاظ شخص و شمار با مفعول در مطابقه باشد، وجود دارد. وجود این نشانه اختیاری است و حضور آن در جمله به نشان‌داری گروه اسمی مفعول وابسته است و نیز در صورت نبود معرفه، جمله نادرستی می‌شود. جملات (۳) و (۶) مؤید این نکته است. دبیرمقدم (۱۳۹۲) نتیجه می‌گیرد هنگامی که مفعول صریح به‌صورت گروه اسمی یا ضمیر در جمله حضور داشته باشد، به‌صورت مطابقه در فعل ثبت نمی‌شود. این نتیجه‌گیری با توجه حضور هم‌زمان مفعول صریح و نشانه مطابقه مفعولی بر روی فعل در مثال‌های (۱) و (۴) هم‌راستا نیست.

در نمونه‌های پیش‌گفته دیده شد که پس از ستاک فعل متعددی گذشته و حال، بدون استثناء وند فاعلی می‌آید. این روند نشان‌داری فعل با وند فاعلی در سازه امری اجباری در گویش کلهری است. دومین نشانه‌ای که پس از وند فاعلی در جایگاه سوم سازه قرار گرفته، واژه‌بست غیر فاعلی «-əz» است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این واژه‌بست در همه فعل‌ها نیامده که این خود نشان‌دهنده اختیاری بودن این واژه‌بست است. با این توصیف، واژه‌بست‌های غیر فاعلی در کردی کلهری افزون بر واژه‌بست‌های مفعول صریح شامل واژه‌بست‌های مفعول غیر صریح در پایان حروف اضافه نیز می‌شود.

7) Zara wa-p-id wət.

گفت ۲م-میانجی حرف اضافه زهرا

زهرا به تو گفت.

در نمونه (۷) در گروه حرف اضافه‌ای «wa-p-id» واژه‌بست غیر فاعلی «-id» در نقش عنصر مطابقه، به مفعول غیر مستقیم ارجاع می‌یابد. در این سازه «-wa» در معنی «به» حرف اضافه و «-p» تکواژ میانجی است.

در جملات بالا مشخص شد که نشانه مطابقه فاعلی به‌صورت وند فاعلی و نشانه مطابقه مفعولی به‌صورت واژه‌بست مفعولی در فعل جمله صورت‌بندی می‌شوند و نیز در این جملات، نشانه مطابقه فاعلی با فاعل و نشانه مطابقه مفعولی با مفعول از لحاظ شخص و شمار در ارجاع متقابل و مستقیم‌اند و در صورت حضور یا عدم حضور فاعل و مفعول، با پیوستن به پایان فعل نقش‌های دستوری را بازنمایی می‌کنند. این پیوند و ارتباط متقابل بین فعل با فاعل و مفعول از لحاظ شخص و شمار بدون تأثیرگذاری و دخالت عامل زمان-گذر در بندهای متعددی حال و گذشته در گویش کلهری شهرستان چرداول،

الگوی مطابقت فاعلی - مفعولی را به‌وجود آورده است.

### ۲-۱-۳- افعال لازم گذشته

8) mə hat-əm.

اشم-آمد من

من آمدم.

9) hat-əm.

اشم-آمد

آدمم.

### ۲-۱-۴- افعال لازم حال

10) mə tj-am.

اشم-آ من

من می‌آیم.

11) tj-am.

اشم-آ

می‌آیم.

همان‌گونه که در داده‌های (۸) و (۹) دیده می‌شود، نوع فعل لازم و گذشته و در جمله‌های (۱۰) و (۱۱) لازم و حال است. در نمونه‌های (۸) و (۹) وند نشانه مطابقت فاعلی به‌صورت پسوند «-əm» به ستاک گذشته فعل «hat-» در معنی «آمد» چسبیده است که در ارتباط مستقیم با فاعل جمله است. شبیه این وضعیت در نمونه‌های (۱۰) و (۱۱) نیز ملاحظه می‌شود به این صورت که در پایان ستاک حال فعل «tj-» وند «-am» به‌مثابه نشانه مطابقت فاعلی آمده است. همین‌طور، فعل «tjam» به‌دلیل وجود نشانه مطابقت «-am» از نظر شخص و شمار به ضمیر مستقل اول شخص مفرد «mə» در نقش دستوری فاعل جمله برمی‌گردد؛ به بیان دیگر، در این جملات بین فاعل «mə» (در صورت حضور یا عدم حضور) با فعل جمله به‌واسطه وند فعلی ارتباط مستقیمی برقرار است و فعل از نظر شخص و شمار با فاعل در انطباق است. در این مثال‌ها نیز مشاهده می‌شود که وند فاعلی از نظر میزبان‌گزینی محدودیت‌گزینشی دارد و تنها به ستاک فعل اضافه می‌شود. از این لحاظ، فعل نشان‌دار است و نقش موضوع را تعیین می‌کند. در همه این بندها فعل در ارجاع متقابل با فاعل دستوری جمله است و ارجاع متقابل یا همان مطابقت با وندهای فاعلی بر روی فعل ظاهر می‌شود. این نقش و تأثیر وند که سبب مطابقت فاعل با فعل

شده، در افعال لازم الگوی نظام مطابقه فاعلی را رقم زده است.

اسپنسر<sup>۲۱</sup> (۱۹۹۱) اظهار می‌دارد که نشانه‌های مطابقه به‌طور معمول مطابقه شخص، شمار و جنس را بین فعل و فاعل نشان می‌دهند. براساس نمونه‌های (۱) تا (۱۱) نوع رابطه نظام مطابقه شخص - شمار محور است.

## ۲-۱-۵- افعال ربطی

### 12) ima sard-əman-ŋ.

بود-اش ج-سرد ما  
ما سردمان بود.

### 13) ima sard-əman-a

بود-اش ج-سرد ما  
ما سردمان است.

در جملات (۱۲) تا (۱۳) گروه اسمی «sard» میزبان واژه‌بست فاعلی «-əman» و فعل ربطی واژه‌بستی «-ŋ» و «-a» است. ضمیر پی‌بستی «-əman» در اینجا به‌مثابه واژه‌بست فاعلی با اضافه‌شدن به گروه اسمی در جایگاه دوم سازه از لحاظ شخص و شمار با فاعل جمله، یعنی «ima» در مطابقه است. فعل ربطی واژه‌بستی «-ŋ» و «-a» مخفف و کوتاه‌شده «bu» و «-as»/ «-as» به ترتیب به معنای «بود» و «است»/ «هست» است که در اینجا به‌صورت واژه‌بست پی‌بستی در جایگاه سوم پس از واژه‌بست فاعلی به گروه اسمی اضافه شده‌اند و از لحاظ شخص و شمار سوم شخص مفردند و زمان آن‌ها گذشته و حال است؛ بنابراین در این دو بند (۱۲) تا (۱۳) واژه‌بست‌های فاعلی و ربطی‌ای وجود دارد که یکی نماینده فاعل جمله و دوتای دیگر نماینده فعل ربطی هستند.

### 14) ima sard-əmanbu-g.

اشم -شود اش ج-سردی ما  
ما سردمان می‌شود.

در جمله (۱۴) «ima» از لحاظ شخص و شمار با ضمیر واژه‌بستی «-əm» با میزبانی گروه اسمی «sard» در مطابقه است. فعل زمان حال «bu» به‌واسطه وند فعلی «-g» سوم شخص مفرد و به معنی «می‌شود» است. در اینجا این وند فعلی، یعنی «-g» با فاعل جمله (ima) که اول شخص جمع است، مطابقه ندارد. حال آنکه این مطابقه بین واژه‌بست فاعلی «-əman» در جایگاه دوم واژه «sard» و فاعل

«ima» برقرار است. به عبارتی فاعل جمله به واژه‌بست فاعلی در پایان گروه اسمی ارجاع می‌یابد. راسخ‌مهند (۱۳۸۴) اظهار می‌دارد که هرگاه نشانه مطابقه به وابسته اسمی اضافه شود نه به هسته فعلی، با نظام غیر فاعلی روبه‌رو هستیم؛ بنابراین در جملات (۱۲) تا (۱۴) با نظامی غیر فاعلی مواجهیم.

## ۲-۱-۶- افعال مرکب

### 15) Larz-əm gərt

گرفت اشم - لرز

لرزم گرفت.

### 16) nasjat-əm kər-d

۳شم - کرد اشم - نصیحت

او من را نصیحت کرد.

### 17) nasjat kər-d-əm

۱شم - ۳شم - کرد نصیحت

من او را نصیحت کردم.

در کردی «larz gərtən» فعل مرکبی است که از دو جزء اسم و فعل ساده ساخته شده است. هرگاه این عمل به کسی اشاره کند، نشانه فاعلی آن به صورت واژه‌بست فاعلی به اولین سازه فعل مرکب، یعنی اسم آن می‌چسبد و از لحاظ شخص و شمار با فاعل مطابقت می‌کند. این مورد در جمله (۱۵) دیده می‌شود که در آن واژه‌بست فاعلی «-əm» با فاعل محذوف در ارجاع مستقیم است؛ بنابراین در این جمله مطابقه غیر فاعلی وجود دارد. در جمله (۱۶) فعل «kərd» از لحاظ شخص و شمار با فاعل محذوف جمله در ارجاع مستقیم است. وند تصریفی «-d» از لحاظ شخص و شمار با فاعل محذوف جمله، یعنی ضمیر آزاد او مطابقت دارد. واژه‌بست مفعولی «-əm» به معنای «من را» به مفعول محذوف جمله ارجاع می‌یابد و در غیاب مفعول هدایت نقش مفعول را در جمله برعهده دارد. در اینجا «-əm» واژه‌بستی مفعولی است که وظیفه بازنمایی نقش مفعول در جمله را برعهده دارد. در جمله (۱۷) «-əm» برعکس جمله (۱۶) وند فاعلی است که با فاعل محذوف جمله، یعنی «من»، از لحاظ شخص و شمار در ارجاع مستقیم است. نکته جالب توجه در نمونه‌های (۱۶) تا (۱۷) این است که نشانه مطابقه «-əm» با جابه‌جاشدن نوع میزبان از وند به واژه‌بست یا برعکس تغییر نقش می‌دهد.

در نمونه‌های پیش‌گفته دیده شد که در کردی کلهری فاعل هیچ نشانه‌ای نمی‌گیرد، ولی مفعول<sup>۲۲</sup>

۲۲- در کردی کلهری مفعول افزون بر معرفه، نشانه نکره هم می‌گیرد.

به صورت محدود و در صورت حضور نشانه مطابقه مفعولى / واژه بست غیر فاعلى به وسیله نشانه معرفه «-aga /-a» نشان دار مى شود. نکته مهم در عملکرد و ندها و واژه بست ها این است که و ندها فقط بر مقوله دستورى فاعل دلالت دارند، اما واژه بست ها بر فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیر مستقیم دلالت دارند. نشانه مطابقه فاعلى در کردى کلهرى اجبارى است، ولى نشانه مطابقه مفعولى اختیاری است. هرگاه در کردى کلهرى نشانه مطابقه مفعولى به کار رود، بی شک پس از گروه اسمى مفعولى نشانه معرفه الزامى است. در غیر این صورت، جمله نادرستى است؛ بنابراین با توجه به نقش و ندها و واژه بست ها در تعیین الگوی مطابقه، افعال متعدی از نظام فاعلى - مفعولى، افعال لازم از نظام فاعلى و افعال ربطى و فعل های مرکب از نظام غیر فاعلى تبعیت مى کنند.

۲-۲- گویش لکى<sup>۲۳</sup>

۲-۲-۱- افعال متعدی گذشته

18) mə se:f-aka-m hward<sup>۲۴</sup>.

خورد اش م- معرفه- سیب من  
من سیب را خوردم.

19) mə se:f-əm hward

خورد اش م- سیب من  
من سیب خوردم.

20) mə hward-əm.

اش م- خورد من  
من خوردم.

۲-۲-۲- افعال متعدی حال

21) mə se:f-aka ma-har-əm-εj

اش م- اش م- خور- اخبارى معرفه- سیب من  
من سیب را مى خورم.

22) mə se:f-aka ma-har-əm.

اش م- خور- اخبارى معرفه- سیب من  
من سیب را مى خورم.

۲۳- با توجه به معیار فهم متقابل بین گویشوران لک و گویشوران کلهر ساکن چرداول، از لکى با عنوان گویش یاد شده است.

۲۴- به صورت ward هم تلفظ مى شود.

## 23) mə ma-har -əm-ej.

۳ش م - اش م خور - اخباری من

من می‌خورم.

در جمله‌های (۱۸) تا (۱۹) فعل «hward» در جایگاه هسته بی‌نشان است و هیچ نقش ارجاعی با موضوع‌هایش یعنی فاعل و مفعول ایفا نمی‌کند. در عوض مفعول نشان‌دار است و میزبانی واژه‌بست ضمیری فاعلی «-m/-əm» را برعهده دارد که با فاعل جمله در ارجاع مستقیم است و از نظر نحوی نقش برقراری ارجاع متقابل بین مفعول و فاعل را از لحاظ شخص و شمار ایفا می‌کند. این نشانه‌های مطابقه با فاعل که بلافاصله پس از گروه اسمی مفعول و در جایگاه دوم سازه قرار می‌گیرند، حالت‌نما<sup>۲۵</sup> هستند. در این داده‌ها نشانه مطابقه مفعولی وجود ندارد و مفعول نشانه مطابقه ندارد. تا اینجا به نظر می‌رسد که جملات دارای مفعول در بندهای متعددی گذشته از نظام مطابقه غیر فاعلی تبعیت می‌کنند؛ اما شرایط در جمله (۲۰) که مفعول در آن حذف شده، به گونه دیگر است. به این صورت که حذف مفعول سبب شده است تا فعل نشان‌دار در جایگاه هسته جمله میزبان وند فاعلی در نقش ارجاعی با فاعل باشد. به این خاطر، در گویش لکی با توجه به حضور یا عدم حضور مفعول در بندهای متعددی گذشته دو نظام مطابقه فاعلی و غیر فاعلی شکل می‌گیرد. به این صورت که اگر مفعول در جمله حاضر باشد، نظام مطابقه فاعلی و اگر مفعول در جمله حضور نداشته باشد، نظام مطابقه غیر فاعلی به وجود می‌آید.

در جمله‌های (۲۱) تا (۲۳)، ستاک حال فعل «-har» به‌مثابه هسته میزبان وند فاعلی «-əm» و واژه‌بست مفعولی «-ej» و پیشوند اخباری «-ma» است. وند فاعلی در جایگاه شناسه اول شخص مفرد از لحاظ شخص و شمار به فاعل ارجاع می‌یابد. همین‌طور فاعل گروه اسمی به‌منزله ضمیر آزاد اول شخص مفرد «mə» نیز در صورت حضور یا عدم حضور در جمله با پسوندهای ضمیری / شناسه فعلی از لحاظ شخص و شمار مطابقت می‌کند؛ بنابراین، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ستاک حال فعل «-har» نشان‌دار است و نشانه آن وند فاعلی است که از نظر میزبان‌گزینی دارای محدودیت‌گزینشی است و تنها بر روی فعل ظاهر می‌شود و از نظر نحوی نقش برقراری ارجاع متقابل بین فعل و فاعل را از لحاظ شخص و شمار ایفا می‌کنند. این وندهای تصریفی مطابقه‌نما هستند که بلافاصله پس از ستاک فعل و در جایگاه دوم سازه قرار می‌گیرند. با توجه به این ویژگی‌ها بند متعددی حال دارای الگوی مطابقه فاعلی - مفعولی است.

۲۵- منظور از حالت‌نمای نشان‌داری گروه‌های اسمی به‌مثابه موضوع و وابسته‌های فعل است.

در جملاتی که فعل آن‌ها، متعدی گذشته است، مطابقه با فاعل با استفاده از وند و واژه‌بست صورت می‌گیرد. آنجا که مفعول در جمله حاضر است، نشانه مطابقه با فاعل به صورت واژه‌بست به پایان مفعول می‌پیوندد و نظام مطابقه غیر فاعلی را به وجود می‌آورد و آنجا که مفعول در جمله حذف می‌شود، نشانه مطابقه با فاعل به صورت وند در پایان ستاک فعل ظاهر می‌شود و نظام مطابقه فاعلی را صورت‌بندی می‌کند. این نمونه‌ها گواه بر دو نوع نظام مطابقه غیر فاعلی و فاعلی در لکی است. با این حال، وجود جمله (۲۰) نشان‌دهنده حرکت از نظام غیر فاعلی به سوی نظام فاعلی - مفعولی در لکی است.

### ۲-۲-۳- افعال لازم گذشته

24) mə hat-əm.

اشم-آمد من  
من آمدم.

25) hat-əm .

اشم-آمد  
آدم.

### ۲-۲-۴- افعال لازم حال

26) məm-a-m .

اشم-آخباری من  
من می‌آیم.

27) m-a-m.

اشم-آخباری  
می‌آیم.

در جمله (۲۴) هسته جمله یعنی فعل «hat-» نشان‌دار و میزبان وند «-əm» در جایگاه دوم سازه به‌مثابه پسوند فاعلی اول شخص مفرد است که با گروه اسمی فاعل از نظر شخص و شمار در ارجاع متقابل است. فاعل گروه اسمی یعنی ضمیر آزاد اول شخص مفرد «mə» نیز از لحاظ شخص و شمار با فعل مطابقه می‌کند. همین وضعیت ارتباط متقابل بین فعل و فاعل در جمله (۲۵) ملاحظه می‌شود هرچند که فاعل جمله محذوف است.

در مثال‌های (۲۶-۲۷) «mam» به‌مثابه فعل جمله از سه تکواژ «-m»، «-a-» و «-m» تشکیل شده است. «m-» در آغاز فعل نشانه وجه اخباری و نمود ناقص «-a-»، ستاک فعل حال از مصدر «hatən» و

«-m» به‌مثابهٔ وند در پایان فعل نشانهٔ مطابقت فاعلی است. فاعل، بی‌نشان و حضور یا عدم حضور آن در جمله بستگی به بافت کلام دارد. وند «-m» پسوند مطابقت اول شخص مفرد است که فعل را مستقیم به فاعل یعنی «mə» در مقام ضمیر آزاد اول شخص مفرد پیوند می‌دهد. این ارجاع متقابل بین فعل و فاعل از لحاظ شخص و شمار باعث ایجاد نظام مطابقت فاعلی در جملات لازم شده است. در این جملات وجود اجباری وند مطابقت فاعلی بر روی فعل، عدم حضور فاعل اختیاری را پوشش و سامان می‌دهد.

آن‌گونه که در بندهای متعدی و لازم در بالا دیده شد، وندها و واژه‌بست‌ها در لکی در مطابقت با فاعل و مفعول هستند و نقش ارجاعی دارند. این نقش ارجاعی و مطابقت وند و واژه‌بست با فاعل و مفعول با نظر تفکری رضایی و امیدی (۱۳۹۳) که وندها و واژه‌بست‌ها را در لکی، نه نشانهٔ ارگتیو و نه نشانهٔ مطابقت فاعلی، بلکه فقط ضمیر می‌دانند، نمی‌تواند هم‌راستا باشد.

همین‌طور در مثال‌های بالا در گویش لکی دیدیم که در افعال متعدی حال و لازم، وند برای مطابقت با فاعل و واژه‌بست برای مطابقت با مفعول به‌ترتیب در جایگاه دوم و سوم ایفای نقش می‌کنند و در افعال متعدی گذشته به‌طور معمول واژه‌بست‌ها بر روی گروه اسمی مفعول و در جایگاه دوم ابزار بیان مطابقت با فاعل‌اند.

### ۲-۳- گویش سورانی

#### ۵-۳-۱- افعال متعدی گذشته

28) mən se:f-aka-m xward.

خورد اش‌م-معرفة-سیب من

من سیب را خوردم.

29) mən se:f-əm xward

خورد اش‌م-سیب من

من سیب خوردم.

30) \*mən xward.

خورد من

من خوردم.

#### ۲-۳-۲- افعال متعدی حال

31) mən se:f-aka a-xw-am-əj.

اش‌م-اش‌م-خور-اخباری معرفة-سیب من

من سیب را می خورمش.

32) mən se:f-aka a-xw-am.

اشم-خور-اخباری معرفه-سیب من

من سیب را می خورم.

33) \*se:f a-xw-am-εj.

اشم-اشم-خور-اخباری سیب

سیب می خورمش.

در بندهای (۲۸) تا (۳۰) زمان فعل جمله گذشته و نوع گذرایی آن متعدی است که در ظاهر پیش فرض سوم شخص مفرد بدون نشانه ارجاعی آمده است. نشانه‌هایی که در این بندها دیده می‌شوند شامل «-aka» نشانه معرفه و «-m/-əm» نشانه مطابقه در پایان گروه اسمی مفعول است. وجود نشانه‌های مطابقه «-m/-əm» بر روی مفعول نشان‌دهنده واژه‌بست فاعلی است که با فاعل از لحاظ شخص و شمار در ارجاع متقابل است. در جمله (۳۰) هم‌زمان با حذف مفعول نشانه مطابقه هم حذف می‌شود و امکان انتقال آن بر روی فعل وجود ندارد که این امر سبب نادرستی بودن جمله شده است. از مشاهده داده‌ها در می‌یابیم که در این جملات وند/ شناسه فعلی وجود ندارد و واژه‌بست پی‌بستی با میزبانی مفعول نقش مطابقه با فاعل جمله را برعهده دارد. کریمی (۱۳۹۱) درباره این جملات معتقد است که فاعل متعدی به وسیله یک واژه‌بست غیر فاعلی مضاعف‌سازی می‌شود و فعل با مفعول مطابقه ندارد و پیش فرض سوم شخص مفرد می‌پذیرد. به‌هرحال، وجود ابزار مطابقه واژه‌بست پی‌بستی «-əm- /-m/» در پایان گروه اسمی مفعول و ارجاع و انطباق آن با فاعل جمله از لحاظ شخص و شمار، نظام مطابقه غیر فاعلی را در این گویش به‌وجود آورده است.

در جمله‌های (۳۱) تا (۳۳) فعل گذرای حال «-xw-» در جایگاه هسته با میزبانی وند فاعلی «-am-» و واژه‌بست مفعولی «-εj-» نشان‌دار است و با موضوع‌هایش، یعنی فاعل و مفعول از نظر نحوی نقش برقراری ارجاع متقابل را از لحاظ شخص و شمار برعهده دارد. این نشانه‌های مطابقه با فاعل و مفعول که بلافاصله پس از ستاک فعل، در جایگاه دوم و سوم سازه آمده‌اند، مطابقه‌نما هستند. این الگوی بازنمایی روابط دستوری در این جملات (متعدی حال) بیان‌گر نظام مطابقه فاعلی - مفعولی در سورانی رایج در کامیاران است.

در جمله (۳۳) نشانه مطابقه مفعولی «-εj-» و گروه اسمی مفعول بدون همراهی نشانه معرفه «-aka-» در جمله حضور دارند. همین حذف و عدم حضور نشانه معرفه در پایان گروه اسمی مفعول جمله را

نادستوری کرده است؛ بنابراین در اینجا نیز هرگاه نشانهٔ مطابقت مفعولی و مفعول در جمله باشند، باید حتماً مفعول، معرفه باشد. در غیر این صورت، جمله نادستوری است. وند مطابقت فاعلی و واژه‌بست مطابقت مفعولی در پایان فعل که از لحاظ شخص و شمار به فاعل و مفعول ارجاع می‌یابند، بیان‌گر نظام مطابقت فاعلی - مفعولی در جملات متعدی حال است.

#### ۲-۳-۳- افعال لازم گذشته

34) mən hat-əm.

ش م-آمد  
من آمدم.

35) hat-əm.

اش م-آمد  
من آمدم.

#### ۲-۳-۴- افعال لازم حال

36) mən tj-am.

اش م-آ  
من می‌آیم.

37) tj-am.

اش م-آ  
می‌آیم.

در جمله‌های (۳۴) تا (۳۵) و (۳۶) تا (۳۷) فعل نشان‌دار «hat-» و «tj-» از نظر نحوی در نقش ارجاعی با فاعل بی‌نشان قرار دارد. فاعل جمله بی‌نشان و فعل نشان‌دار است. فعل‌های نشان‌دار گذشته و حال میزبان وند بیان مطابقت «-əm» است که به صورت پسوند مطابقت فاعلی در جایگاه دوم سازه آمده است. این پسوند از لحاظ شخص و شمار با فاعل جمله مطابقت می‌کند. فاعل گروه اسمی نیز از نظر شخص و شمار با پسوند فاعلی در ارجاع متقابل است. این ارجاع متقابل رابطهٔ بی‌واسطه و مستقیمی بین فعل و فاعل به وجود آورده است که در بازنمایی روابط دستوری باعث ایجاد نظام مطابقت فاعلی شده است.

#### ۲-۴- گویش کرمانجی

#### ۲-۴-۱- افعال متعدی گذشته

38) mən se:v-əxa xar.

خورد معرفه-سیب من

من سیب را خوردم.

39) mən se:v xar.

خورد سیب من

من سیب خوردم.

## ۲-۴-۲- افعال متعدی حال

40) az se:v-əxa da-xw-əm.

اشم-خور-اخباری معرفه-سیب من

من سیب را می‌خورم.

41) az se:v da-xw-əm.

اشم-خور-اخباری سیب من

من سیب می‌خورم.

چنانچه مشاهده می‌شود، در جملات متعدی گذشته (۳۸-۳۹)، فعل «xar» به‌مثابه هسته بی‌نشان است و هیچ نقش ارجاعی با موضوع‌هایش یعنی فاعل و مفعول برعهده ندارد، همین‌طور بر روی فاعل و مفعول نیز نشانه مطابقه اعم از وند یا واژه‌بست وجود ندارد؛ به‌همین دلیل، کلمات هیچ پیوند و ارتباطی از نظر وند، واژه‌بست یا عامل گذر-زمان برای تعیین نظام مطابقه ندارند و فاقد هرگونه نشانه مطابقه‌نما یا حالت‌نمایی هستند. این ویژگی‌ها، یعنی نوع ضمیر (مستقیم/ غیر مستقیم) و اسم فاقد هر نشانه مطابقه‌ای در جایگاه فاعل و مفعول و درنهایت فعل فاقد نشانه، یک نظام مطابقه‌ای ختشی<sup>۲۶</sup> (بی‌نشان) را شکل داده است.

در جملات (۴۰) تا (۴۱) فعل «-xw-» به‌مثابه هسته نشان‌دار است و میزبان وند ابزار بیان مطابقه فاعلی «-əm» است که با فاعل در ارجاع مستقیم است. ستاک فعلی «-xw-» با پیشوند «da-» نشانه وجه اخباری و نمود ناقص، همراه با «-əm» پسوند فاعلی در جملات (۴۰-۴۱) مشاهده می‌شود. درباره مفعول این پرسش وجود دارد که آیا مفعول به وند یا واژه‌بست خاصی ارجاع پیدا می‌کند یا خیر. «se:v» در جایگاه مفعول جمله نشانه مطابقه مفعولی ندارد؛ بنابراین، از این داده‌ها در کرمانجی رایج در اسفراین درمی‌یابیم که در این گویش نشانه مطابقه مفعولی وجود ندارد. این نوع بازنمایی نقش‌های دستوری، الگوی نظام مطابقه فاعلی - مفعولی را نشان می‌دهد.

۲-۴-۳- افعال لازم گذشته

42) az hat-əm.

اشم-آمد من

من آمدم.

43) hat-əm.

اشم-آمد

آدم.

۲-۴-۴- افعال لازم حال

44) az d-əm.

اشم-آ من

من می‌آیم.

45) d-em.

اشم-آ

می‌آیم.

در جمله‌های (۴۲) تا (۴۳) و (۴۴) تا (۴۵) فعل‌های نشان‌دار «hat-» و «d-» از نظر نحوی در نقش ارجاعی با فاعل بی‌نشان قرار دارند. در این جمله‌ها، وجود وند مطابقت فاعلی «-əm» از نظر شخص و شمار رابطه مستقیمی بین فعل و فاعل را شکل داده است. این ارجاع متقابل برای بازنمایی نقش دستوری فاعل جمله (ارجاع متقابل بین وند با میزبانی فعل با فاعل جمله)، نوع نظام مطابقت فاعلی را در این جملات به وجود آورده است. علیزاده و تقوی گلیان (۱۳۹۵) با بررسی ساخت ارگتیو گویش کرمانجی اظهار می‌دارند که در ساخت لازم، مطابقت فعل با فاعل برقرار است و در ساخت متعدی مطابقت فعلی با هیچ‌یک از موضوع‌های فعلی وجود ندارد و کاملاً خنثی است. نمونه‌ها در ساخت لازم و متعدی گذشته با این نتیجه‌گیری هم‌راستا است و حال آنکه در ساخت متعدی حال این همسویی وجود ندارد.

۳- نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نظام مطابقت در گویش کلهری و مقایسه آن با گویش‌های لکی، سورانی و کرمانجی است. نقش مطابقت در این گویش‌ها بازنمایی فاعل و مفعول در جمله است. ابزارهای مطابقت در این گویش‌ها وند فاعلی، واژه‌بست فاعلی و واژه‌بست مفعولی‌اند که در گویش‌های

کلهری، لکی و سورانی وند فاعلی، واژه‌بست فاعلی و واژه‌بست مفعولی و در کرمانجی وند فاعلی و وظیفه بازنمایی نقش‌های درون جمله را برعهده دارند. نقش وند فاعلی و واژه‌بست فاعلی بازنمایی فاعل و نقش واژه‌بست مفعولی بازنمایی مفعول در جمله است. واژه‌بست‌های مفعولی همیشه به آخر فعل اضافه می‌شوند و واژه‌بست‌های فاعلی نیز چه با حضور یا بدون حضور نشانه معرفه، همواره در آخر گروه اسمی می‌آیند. از لحاظ میزبانی، میزبان وند فاعلی و واژه‌بست مفعولی فعل و میزبان واژه‌بست فاعلی گروه اسمی است.

در گویش‌های کلهری، لکی و سورانی در افعال لازم الگوی فاعلی و در افعال متعددی حال الگوی فاعلی - مفعولی برقرار است، ولی در فعل‌های متعددی گذشته در کلهری نظام فاعلی - مفعولی در لکی الگوی غیر فاعلی و فاعلی - مفعولی و در سورانی الگوی غیر فاعلی حاکم است. در کرمانجی در افعال متعددی گذشته الگوی خستی و بدون مطابقه و در افعال متعددی حال الگوی فاعلی - مفعولی و در فعل‌های لازم از الگوی فاعلی استفاده می‌شود. همچنین در افعال ربطی و فعل‌های مرکب در کلهری نظام غیر فاعلی مشاهده می‌شود. همین‌طور در افعال متعددی گذشته در لکی از الگوی غیر فاعلی حرکت به‌سوی نظام فاعلی - مفعولی دیده می‌شود. در کرمانجی تنها از ابزار مطابقه وند فاعلی ولی در سه گویش کلهری، لکی و سورانی از سه ابزار مطابقه، یعنی وند فاعلی، واژه‌بست فاعلی و واژه‌بست مفعولی استفاده می‌شود. الگوهای مطابقه در کلهری، لکی و سورانی فاعلی - مفعولی، فاعلی و غیر فاعلی و در کرمانجی فاعلی - مفعولی، فاعلی و خستی / بدون مطابقه است.

## منابع

- تفکری رضایی، شجاع و عباس امیدی (۱۳۹۳). پسوندهای فعلی در گویش لکی: ساخت ارگتیو، مطابقه فاعلی یا ضمیر پیوسته. *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۴ (۱)، ۳۷-۵۵.
- دانش‌پژوه، فاطمه و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۵). مجهول در کرمانجی و سورانی بر پایه دستور نقش و ارجاع. *جستارهای زبانی*، ۷ (۲)، ۴۹-۷۱.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. جلد اول و دوم. چاپ اول. تهران: سمت.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۴). شیوه نشان‌دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، ۲۱ (۱-۲)، ۸۵-۹۶.

شریفی، شهلا و رضا زمردیان (۱۳۸۷). نظام مطابقه در گویش کاخکی. *گویش‌شناسی*، ۵ (۱)، ۲-۱۸.

علیزاده، علی و محمد تقوی گلپان (۱۳۹۵). ساخت ارگتیو و فروپاشی آن در گویش کرمانجی خراسان.

زبان پژوهی، ۱ (۱۸)، ۱۲۳-۱۴۲.

کریمی، یادگار (۱۳۹۱). مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۴ (۷)، ۱-۱۸.  
----- و الهام مقدم (۱۳۹۴). انطباق در زبان سهی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۵ (۹)، ۱۸۷-۲۰۵.

Brown, D. (2010). *Morphological Theory*. Oxford: Oxford University Press.

Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology: Syntax and morphology*. University of Chicago press.

Dixon, R. M., & Dixon, R. M. (1994). *Ergativity*. Cambridge University Press.

Haig, G. L. (2008). *Alignment change in Iranian languages: A construction grammar approach* (Vol. 37). Walter de Gruyter.

Spencer, A. (1991). *Morphological theory: An introduction to word structure in generative grammar*. Wiley-Blackwell.